

## تفسیری بر دعای ندبه (جلسه هفدهم)

### مقدمه

در جلسه‌ی گذشته در مورد ذریه‌ی حضرت ابراهیم به تفصیل صحبت کردیم از جمله گفتیم که بنا بر کتاب حضرت زکریا، شجره‌ی ابراهیمی در شرق و غرب جهان گسترش پیدا کرد.

### فرزندان قطوره

در باب ۲۵ کتاب پیدایش تورات در مورد فرزندان حضرت ابراهیم از همسر سوم ایشان چنین آمده است: «و ابراهیم دیگر بار زنی گرفت که قطوره نام داشت و او زمران، یقشان، مدان، مدیان، یشباق و شوحا را برای او زایید... و ابراهیم تمام مایملک خود را به اسحاق بخشید؛ اما به پسران کنیزانی که ابراهیم داشت، ابراهیم عطایا داد و ایشان را در حین حیات خود از نزد پسر خویش اسحاق به جانب مشرق به زمین شرقی فرستاد» یعنی حضرت به آنها مأموریت داد تا به سمت شرق بروند. در این جلسه در مورد سرنوشت و تأثیر این شاخه‌ی شجره‌ی ابراهیمی بر گسترش ادیان الهی در شرق صحبت خواهیم کرد. «محمد حمدالله» مترجم و مفسر قرآن به زبان فرانسه در کتاب خودش ذیل آیه‌ی «و التین و الزیتون» تین را به بودا نسبت می‌دهد و می‌گوید که بودا در زیر درخت انجیر به پیامبری رسیده است. «مانخوسیئه» مورخ یهودی معتقد است که ساکنان شمال آفریقا و بخش‌هایی از سوریه متأثر از سه پسر قطوره قرار گرفتند؛ یعنی آنها اندیشه و دین الهی را در این مناطق گسترش دادند.

### خود حضرت ابراهیم هم در فلسطینی به پیامبری مبعوث شد

### که از لحاظ جغرافیایی مانند لولایی است که سه قاره را به هم وصل می‌کند.

این مورخ یهودی ادامه می‌دهد در جنگ‌هایی که میان یونانیان و مصری‌ها شکل گرفت، یونانی‌ها با یکی از پسران قطوره وصلت کردند و بخشی از این شاخه به سمت اروپا رفته است این شاخه (فرزندان قطوره) در حدود ۴ هزار سال پیش به مشرق آمدند.

## تأثیر بنی ابراهیم بر ادیان شرقی

بودیسم از شاخه‌های هندویسم است و تقریباً در حدود ۲۵۰۰ سال از شکل‌گیری آن می‌گذرد. به لحاظ تاریخی با دوره‌ی هخامنشی و نبوت حضرت دانیال و ارمیا در میان بنی اسرائیل همزمانی دارد. قبل از ورود مسیحیت به اروپا، مردم ادونیست یعنی به نوعی مانند مردم ایران پیش از دین زرتشت، پیرو میترائیسم بودند؛ یعنی خورشید برای آنها مبنا بود. حضرت عیسی با نبوت خود اولاً برخی احکام تنبیهی یهودیان را حذف کرد و در ثانی تحریفات را از یهودیت زدود. بعد از عروج حضرت عیسی، پولس، ادونیسم اروپا را با یهودیت ادغام و دین مسیحیت امروزی را ایجاد کرد. برای همین گزاره‌های فراوانی از خورشیدپرستی در مسیحیت تحریفی وجود دارد؛ مثلاً تاریخ تولد حضرت عیسی را به تاریخ ولادت خورشید (در شب کریسمس) تغییر دادند. با این توضیح باید ببینیم آیا هندویسم از ریشه‌ی مذهبی انحرافی است یا مانند مسیحیت، ترکیبی از دو آیین است و ریشه‌ی الهی نیز دارد.

### ریشه‌های الهی بودیسم

در صحبت با پیروان هندویسم به وضوح آنها را معتقد به مفهومی به نام گَعبا (کعبه) می‌بینیم. در ریشه‌یابی کلمات به نتایج جالبی می‌رسیم؛ مثلاً دیو در زبان سانسکریت به معنی خدا بود بعدها با ظهور دین زرتشت، معلوم شد که آنچه مردم می‌پرستیدند، شیاطین جنی بوده‌اند که به آنها دیوان اطلاق می‌شد که نام‌های مختلفی داشتند؛ هندوها به دیو دیوان «مارا» می‌گفتند و بودا در مبارزه با این دیو به پیامبری رسید.

### در واقع بودیسم در مخالفت با دیوهاست.

بنیان‌گذاری بودیسم توسط فردی به نام سیدارتا بوتاما (بودا) در حدود ۲۵۰۰ سال پیش صورت گرفته است. بودا در زیر درخت انجیر و در جنگ با دیو دیوان «مارا» به پیامبری و به دریافت رموز و بیداری کامل رسید. این فرد در میان هندوها سر برآورد؛ اما برخلاف آنچه امروز بین پیروان این دین مرسوم است، گوشت هم می‌خورد؛ اما نه هر گوشتی. او به پیروان خود اجازه نمی‌داد که گوشت اسب، فیل، سگ، مار، ببر، پلنگ و خرس بخورند؛ یعنی این گوشت‌ها را حرام اعلام کرده بود. جالب اینکه ما در کمال‌الدین شیخ صدوق و بحارالانوار داستانی داریم که بسیار با این فرد مشابهت دارد. داستان (بلوهر و بوذاسف) در مورد پادشاهی است که خدا به او پسری داد. پیشگوها گفتند که این پسر فردی بزرگ و الهی خواهد شد.

پادشاه که خودش ضد دین بود، دستور داد تا پسر را به شهری ممنوعه ببرند تا به دور از مردم و مفاهیمی چون مرگ و خدا و دین بزرگ شود. روزی پسر به کنار دیوارهی شهر رفت و با حکیمی آشنا شد. از دیوار بالا رفت و در شهر با رنج مردم و فقر و مرگ آشنا شد و این امور باعث جوشش وعدهی الهی و رشد و تغییر پسر شد. جالب است که اسم بوداسف با اسم بودهیستا (نام بودا) مشابهت دارد؛ یعنی این داستان، داستان بوداست. به علاوه بوداسف لقب هندوی بودا قبل از پیامبر شدن بود. از بسیاری از تعبیرات شیخ صدوق می‌توان اینگونه برداشت کرد که این فرد مقام نبوت داشته است. اقبال لاهوری نیز نبوت بودا را تصدیق می‌کند و کاشف‌الغطاء با عنوان النبی‌الهندي از بودا یاد می‌کند. محمدحمداالله (مفسر قرآن به زبان فرانسه) نیز به نبی بودن بودا معتقد است. بودا قصه‌هایی دارد که برای ما آشناست؛ مثلاً ملاقات حضرت ابراهیم و پسرش در مکه به ملاقات بودا با پسرش بی‌شبهت نیست. یا گفتگوی او (حضرت ابراهیم) با ابلیس بی‌شبهت با رویارویی بودا با مارا (دیو دیوان) نیست.

## در میان هندویسم‌ها مفهومی متعالی به اسم «برهما» وجود دارد

### که خدای خدایان هندوهاست.

در وصف برهما گفته شده که نه حواس آن را درک می‌کند و نه عقل. موجودی است نامحدود که اصل ازلی مستقل دارد. بت پرستان مکه هم به «الله» معتقد بودند؛ اما برای خدا شریک در نظر می‌گرفتند؛ مثلاً می‌گفتند خدا برخی امور را به برخی الهگان و بت‌ها تفویض کرده است. هندوها لفظی به نام «أم» دارند که به معنای آمین ماست و دارای تقدس و مانند اسم یهوه برای یهودیان است، همچنین به تثلیث، برهما (خدای آفریننده) و ویشنو (خدای حافظ) و شیوا (خدای مؤنث و متلاشی‌کننده) معتقدند. جالب است که در کتب اصلی هندو یعنی وداها اثری از این تثلیث و نام شیوا وجود ندارد. این امر نشان از تحریف این دین دارد، درست مانند مسیحیت. سابقه‌ی این دین به ۴ هزار سال پیش می‌رسد و از ۳ هزار سال پیش دچار تثلیث شده است. فرید وجدی در دایره‌المعارف خود ذیل واژه‌ی «بوذا» ماجرای تثلیث را بیان می‌کند و ذیل واژه‌ی «کعبا» می‌نویسد: «هندویان می‌گویند که روح شیوا وقتی به همراه همسرش به زیارت کعبه رفته بود به کعبه حلول کرده است.» ببینید باید آرام آرام ریشه‌ی اصلی را کشف کنیم؛ پس می‌بینیم که ادیان به تدریج دچار تحریف شده‌اند. تحریف و بت‌پرستی حتی در زمان حضور پیامبران در میان بنی‌اسرائیل وجود داشته است؛ پس صرف وجود چندخدایی نمی‌توانیم ساده‌لوحانه منکر وجود ریشه‌های الهی و اصیل بودیسم شویم.

## اشاره و توسل به اهل بیت در کتب مقدس بودیسم

رساله‌ی کریشنا بنتی، صفحه‌ی ۷۲: «در جنگ مشهوری که بین پاندوها و کروها واقع شد، شری کریشنا جی (هر دو واژه شری و جی به معنی حضرت و عالیجناب است و کریشنا جزء پیامبران هندوهاست) به میدان جنگ رفت و چون دید طرفداران حق بسیار اندک است... پیروان خود را موعظه کرد و آنچه لازم بود به آنان فرمود؛ سپس به گوشه‌ای رفت و با پروردگار خود به مناجات پرداخت و گفت: "ای خداوند بزرگ جهان ای روح عظیم هستی تو را به روح پاک خودت سوگند می‌دهم و به آن کس که باعث ایجاد زمین و آسمان شد و حبیب توست و به آن کسی که عزیز و محبوب اوست و نامش عالیست و نزدیک سنگ سیاه در بزرگترین پرستشگاه‌های جهان جلوه‌گر خواهد شد، عرض حال مرا بشنو و خواسته‌ام را بپذیر و اهریمنان و دروغگویان را نابود ساز و راستان را پیروزی مرحمت فرما ای خدا ای ایلیا، ایلیا، ایلیا"» یعنی خدا را به امیرالمؤمنین که در کعبه متولد می‌شود، قسم می‌دهد. در مورد ماهاتما بودا در کتاب بودهیا چمدکار (۱۹۲۷) و چند کتاب دیگر در مورد بخشی از رویای او اینچنین آمده است: «روح بسیار بزرگی، مرا مبارک باد گفت و چنین بشارتم داد: "عبادت و بندگی تو پذیرفته و ثمربخش شد. برو و به ذکر و یاد نام من باش تا هرچه خواهی برایت میسر شود. نام من آلیاست و دیدار من نزد دیوار شکافته شده در جای بسیار پاک و مقدس به صورت یک بچه خواهد بود؛ اما هنوز به آن زمان بسیار مانده است."» استغاثه‌ی بودا در این کتاب: «هنگامی که دشمنی و مخالفت گمراهان و گرفتاری‌های دیگر او را ناراحت و پریشان کرده بود، چنین دعا کرد: "ای مطلوب طالبان و عزیز عزیزان ای ایلیا ای پیروز شونده بر همه؛ بیا و جلوه‌ی خود را نشان داده و مرا یاری فرما. شیر خدا، روبه‌ان دنیا می‌خواهند مرا بدرند، تو را سوگند می‌دهم به کسی که دست و بازویش هستی (یدالله) و آن کس که نیرو و قدرتش تو هستی، مشکل مرا بگشای. تو نامی داری که نام خداست (علی) بیا که نظر به چهره‌ی تو افکندن برابر هزار کرنش و عبادت است؛ زیرا تو چهره‌ی خدای متعال هستی (وجه الله). ای محبوب من تو همه چیز هستی و من در صورت عدم ارتباط با تو هیچ نیستم. تو همه چیز را می‌بینی و از حال همه آگاهی. تو رنج و مشقت مرا می‌دانی و می‌توانی آن را برطرف کنی. أم ایلیا أم ایلیا"» بودا در بستر مرگ به آنندا بزرگترین شاگرد خود اینگونه وصیت کرده است: «آنندای عزیز اندوهگین مباش. اشک مریز. من کراراً به تو گفته‌ام که به واسطه‌ی مرگ، دوست‌داشتنی‌های دنیوی را ترک گفتن و از همه چیز دنیا جدا شدن، جزء سرشت انسان است... آنندا سخنان مرا خوب در خاطر بسپار؛ تنها من برای هدایت بشر به دنیا

نیامده‌ام و خاتم این زنجیرواره هم نیستیم. زمانی خواهد آمد که شخص دیگری به پیامبری می‌رسد. او نور خداست و از حکمت کامل برخوردار و نیک‌بخت و خوش طالع است. اسرار هستی را می‌داند. راهنما و مصلح بی‌همتای بشر و آموزگار انسان‌ها و دیوها (جنیان) خواهد بود.» آن‌ها توضیحات بیشتری خواست و بودا گفت: «او کسی است که پیامبری با او ختم می‌شود. او را بر سر، تاجی پنج پهلو باشد؛ مانند خورشید و ماه بدرخشد و نام الماس بزرگ آن تاج، ایلیاست. به یاد داشته باش که آن انسان‌های پاک در ابتدا آفریده شده‌اند؛ اما هنوز به ظاهر شدنشان بسیار مانده. ستمگران دردانه‌های او را بسیار زیان و آزار رسانند و برای ریشه‌کن کردن آنان چیزی فروگذار نکنند و دست به هر عمل ضد انسانی بزنند؛ اما خدا نام او و مقصد او و نسل او را تا آخر باقی خواهد گذاشت؛ مانند من و تو مردم بسیاری منتظر او خواهند بود، خسته خواهند شد، خوشا به حال آنان که با او و همراهان او همراهی کنند.»

## تقدس کعبه در میان پیروان ادیان شرقی

«توماس دُرست» در کتاب موسی و بیگانگان خود واژه‌ی «برهما» را برگرفته از «براهیم» (آبراهام) می‌داند و معتقد است که این اندیشه ۴ هزار سال پیش در جهان پخش شده و همه [ادیان شرقی] نتیجه‌ی اندیشه‌ی او (حضرت ابراهیم) است. از دیگر نشانه‌های این امر این است که رهبر سیک‌های هندی به زیارت کعبه رفت. به علاوه افرادی که آدابی شبه عمرانی (مانند ختنه شدن و استفاده از کلمات آرامی) داشتند در هند پیدا شدند. ما اطلاعات و تاریخ دقیقی در مورد شخصیت زرتشت نداریم؛ اما جاماسب قطعاً پیامبری در ایران بوده است که کتابی به نام جاماسب‌نامه دارد. علاوه بر این، حضور ایرانیان در دوره‌ی ساسانی پیش از اسلام در مراسم حج و کمک به ساخت و اهدای هدایا به کعبه در اسناد تاریخی تأیید شده است؛ یعنی تقریباً مردم همه‌ی مناطق جهان پیامبر الهی داشته‌اند. مسعودی در جلد یک مروج ذهب در صفحه‌ی ۲۸۳ می‌نویسد: «ایرانیان در گذشته به زیارت خانه‌ی خدا در مکه می‌رفتند و به دور آن طواف می‌کردند؛ چون زمانی که ساسان، نیای (جد) اردشیر بابکان به آنجا می‌رفته بر چاه اسماعیل زمزمه می‌کرد و به همین دلیل آن چاه را زمزم می‌گویند» به علاوه در جستجوهای باستان‌شناسی تکه سنگ‌هایی از آن‌ها پیدا شد که نشان از اهدای آنها از جانب ایرانیان به این مکان داشته است. شواهد بسیار دیگری وجود دارد که ایرانیان پیش از اسلام نیز حج و آیین ابراهیمی را می‌شناختند و حتی ادیان آنها

متأثر از اندیشه‌ی الهی ابراهیمی بوده است. در ریشه‌یابی نام حضرت ابراهیم و عمویش آذر نیز به نتایج و ریشه‌های ایرانی می‌رسیم.

## نقش ایرانیان در ترویج بودیسم

از طرفی در تاریخ چین به شاهزاده‌ای ایرانی به نام ارشک (آن شیا گا) برمی‌خوریم که برای دوام سلطنت و استمرار دوستی دو امپراطوری ایران و چین به عنوان داماد به این کشور و شهر لویانگ فرستاده می‌شود. او فرد بزرگی بود که متون بودایی را به چینی ترجمه و یک میلیارد نفر را بودایی کرد؛ یعنی گسترش بودیسم در چین و ژاپن مدیون فردی ایرانی است که برای چینیان بسیار محترم و مقدس است؛ یعنی منشأ همه‌ی ادیان یکی است؛ اما بعدها در ضمن گسترش و در گذر زمان دچار تحریف شده است؛ پس وعده‌ی خدا که فرموده بود کتاب، حکمت، پیامبری و مُلک عظیم را به ذریه‌ی حضرت ابراهیم عطا خواهد کرد، عملاً محقق شده است و اندیشه‌ی ابراهیمی شرق و غرب جهان را گرفته است. بودا ۴ هزار سال پیش با امیرالمؤمنین نجوا می‌کند و از او یاری می‌طلبد؛ اما ما که امروز شیعه‌ی این مرد بزرگ هستیم در نشر معارف الهی به مردم جهان کوتاهی کرده‌ایم. باید به خودمان بیاییم و هر کس در هر جایگاهی باید برای نشر دین کار کند. همه‌ی ما مسئولیم. اصلاً ما چه می‌دانیم شاید کار ظاهراً کوچک ما، منشاء خیری بزرگ برای خودمان یا دیگران باشد.

سخنرانی استاد رائفی‌پور

موضوع: تفسیری بر دعای ندبه (جلسه هفدهم)

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی‌پور، مهر ۱۴۰۱ تهران

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مضاف، مهدیاران [@Mahdian](https://www.mahdian.com)